

نقاشی کودکان و مفاهیم آن

کودکی در عمق وجود همه ما است و با چشمان اوست که همگی روزی به این عالم نگاه کرده ایم.

با وجود این آنچنان از آن دور افتاده ایم که برای فهم نقاشی کودکان، نگاه کردن آن برایمان کافی نیست و باید آنها را مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم.

جهان پر از کودکان باهوش و خوش ذهن است که با ذوق خود به زندگی ما معنا می دهد، ای کاش برای کمک به آنها به دست خودمان باعث نابودی آنها نشویم.

یکی از راه ها و وسایل پرورش کودکان که معمولا کمتر مورد توجه قرار می گیرد ولی قبل از هر وسیله و بیش از هر چیز می تواند به آموزش کمک کند نقاشی است. رنگ و

تصویر بیش از هر چیز دیگر ذهن بچه را متوجه خود می کند و در عین حال وسیله ای است که بچه قبل از هر چیز می تواند به خلق آن بپردازد.

برای درک رنگ و تصویر کافی است که چشم ببندد و برای خلق آن کافیت که بچه دست در رنگ کند و آن را بر در و دیوار یا هر چیز دیگر که دم دستش باشد حتی به سر و

صورت و لباس خود بمالد. اگر نقاشی عمیق ترین وسیله آموزشی کودک باشد می توان گفت یکی از مهمترین و اولین وسیله آموزش کودک است.



تفسیر نقاشی از روی خطوط و رنگ

پر رنگ و پر نیرو بودن خطوط نقاشی: نشانه شهامت، خشونت، رها سازی، تمایل به لذت بردن است.

پارگی در خطوط: نشانه خشونت طلبی، پرخاشگری، عصبانیت، اختلال سلوک، شخصیت ضد اجتماعی، دیگر آزاری، عدم رشد اخلاقی، عدم پایبندی به هنجارهای اخلاقی، برون گرایی افراطی می باشد.

کم نیرو بودن خطوط نشانه حساسیت، ملایمت، فراغت، فقدان اعتماد به نفس و تردید و شکاک و بی مسئولیتی است.

کمرنگی خطوط: کم رویی، ناتوانی در تایید خویشتن، روان آزرده، شکست خوردگی و درون گرایی افراطی است.

تفسیر با انتخاب نواحی صفحه نقاشی

ناحیه پایین: نشانه افسردگی، خستگی روانی، عصبی، روان آزرده، خود کم بینی، ترس از گروه همسالان.

ناحیه بالا: آرمان‌گرا، رویا پرداز، کمال گرایی، خیالپردازی و تفکرات فانتزی.

ناحیه چپ: بیان احساسات مستقیم و بلافاصله، رفتار کودکانه، شخصیت وابسته، حمایت طلب، از هرگونه تلاش برای اثبات خویش اقناع می‌کند.
ناحیه راست: آینده‌گرا، استقلال طلب، کنترل عقلی، تحول یافتگی.

تفسیر از طریق اندازه نقاشی در صفحه

اندازه بزرگ نقاشی: نشانه عدم تعادل در موقعیت یابی خصومت و تجاوز به حق و حقوق دیگران، برونگرایی و خود بزرگ بینی، خودخواه، عدم کنترل تمایلات درونی عملکرد سریع نهاد (لذت‌گرا).

اندازه کوچک نقاشی: نشانه بازداری تمایلات، در خود فرورفتگی، کم رویی، ترس، هیجان پذیری، وابستگی به مادر، تثبیت رشد مرحله اعتماد در مقابل بی‌اعتمادی.

پر کردن تمام قسمت‌های صفحه نقاشی

نشانه برونگرایی، ابراز تمایلات مستقیم، خسیس برای اعضای خانواده و دست و دل باز بودن برای دیگران، مذهب‌گرایی ظاهری، اعتماد به نفس بالا و دارای تفکر ایده آل.

تفسیر از طریق جهت نقاشی

از چپ به راست: حرکت طبیعی و پیشرونده
از راست به چپ: حرکت واپس‌رونده و گذشته‌نگر

تفسیر از طریق خطوط نقاشی

خط استوار و مستقیم: حاکی از اعتماد به نفس مصمم و تأثیرپذیر
خطوط منقطع: بیانگر تأثیر گذاری مردد و کمال جویی
خطوط موازی: نشانه اضطراب است. استفاده از رنگ‌های تیره خاکستری نشانه افسردگی است.

خطوط شکسته و زاویه دار: نشانه چابکی خشم و ناآرامی.

خطوط انحنا دار: بیانگر ملایمت و وفاداری

خطوط راست: نشانه آرامش و وقار، انعطاف پذیری، تفکر منطقی، قضاوت رشد یافته.

خطوط سر پایین: نشانه بدبینی، افسردگی، خستگی و ضعف روانی و عصبی.

خطوط سر بالا: نشانه شادی زندگی، احساسات حاد.

خطوط عمودی: نشانه خود مرکز بینی، کوشش برای حفظ تعادل عاطفی ناپایدار.

تأکید بر خط افقی شدت نیازهای ارتباطی را نشان می‌دهد.

خط خلی کردن و پاک کردن مکرر: نا مصمم بودن، نارضایتی از خود، احساس حقارت و لکه های سیاه در حین نقاشی و پاک کردن های مکرر نشانه های احساس گناه است. نقاشی کثیف و در هم ریخته: نشانه شخصیت کودکی است که در حد مقعدی (رشد روانی جنسی فروید) متوقف شده است.

نمادهای اصلی اندام ها

سر: معرف مرکز شخصیت - قدرت فکری و عامل اصلی کنترل فشارهای درونی کودکان همیشه سرهای بزرگ ترسیم می کنند ولی اگر سر زیاد بزرگ باشد نشانگر آن است که من کودک بیش از حد طبیعی است.

صورت: چون بسیار اهمیت دارد بیشتر تنها کشیده می شود. کودکان پرخاشگر جزئیات را از نظر می اندازند و فقط دایره صورت را ترمیم می کنند.

دهان و دندان: ممکن است معنی نیاز به مواد خوراکی را نمایان سازد و نیز معنی پرخاشگری است. اگر لب ها بسته باشد نشان دهنده تنش و فشار است. چانه نیز تمام قدرت مردانگی است.

چشمها: اجتماعی بودن کودک را نشان می دهد. کودکان خودستا چشم ها را حالتی وحشی می کشد. چون چشمها ارزش زیبایی دارند بنابراین دختران چشم ها را خیلی بزرگ می کشند.

دستها و بازوها: در دوران اولیه زندگی کودک برای شناخت محیط اطراف زیاد به کار می رود. در مرحله بعد به عنوان پیشرفت من، سازگاری اجتماعی به کار می رود. کودکان ضعیف و درونگرا بیشتر برای آدمک پا نمی گذارند و یا او را به حالت نشسته نقاشی می کشند.

بالاتنه: اگر باریک و لاغر کشیده شود مشخص کننده این است که کودک از اندام خود ناراضی است و یا از چاقی و بزرگ شدن می ترسد. بالا تنه لاغر ممکن است نشان دهنده ضعف جسمانی واقعی باشد.

تخیلات هنری همانند خواب و رویا، در ژرفای ضمیر ناخودآگاه هر کس به جستجو می پردازد و ژرف ترین محتویات درونی فرد را متظاهر می سازد. کودک نیز به کمک نقاشی دلهره ها و کشمکشهای درونی خویش را آشکار می سازد و بدین طریق اثر آنها را کاهش می دهد. در حقیقت وقتی مسائل و مشکلات عاطفی بر روی کاغذ منعکس می شوند به صورت تازه و جداگانه ای که کمتر دلهره آور است در می آیند.

کودک خیلی زود در می یابد که رسم و نقاشی وسیله ای بیانی است که با افکار او

مطابقت می‌کند و او را در تخیلاتش آزاد می‌گذارد و در عین حال لذت سرشاری برای او فراهم می‌آورد. علاوه بر آن نقاشی کردن به او اجازه می‌دهد که افکار درونی اش و در حقیقت خویشتن خودش را نشان دهد.

به هر حال تعبیر و تجزیه و تحلیل نقاشی کودکان فقط مورد توجه بزرگسالان است. هنگامی که کودک به وسیله تصویر اظهار نظری می‌کند، بسیاری از جوانب به شخصیت خویش را آشکار می‌سازد؛ ولی او این کار را برای دلخوشی ما و یا فراهم کردن امکان شناخت و بررسی روانشناسی نمی‌کند بلکه آنچه برای او مهم است بیرون ریختن تجربه های اندوخته شده ای است که نمایانگر وجود اوست.



اولین علائمی که کودک بر روی کاغذ رسم می‌کند بیشتر بر اثر ضربه زدن مداد بر روی کاغذ به وجود می‌آید. او خیلی زود متوجه می‌شود که در اطراف او اشیا و وسایلی وجود دارند که می‌توانند اثر مشخصی از خود بر روی سطوح باقی گذارند، بنابراین با لذت تمام، با هر وسیله ای که به دست آورد شروع به خط خطی کردن می‌کند. خطوط درهم و برهمی که کودک در سنین ۱۶ تا ۱۸ ماهگی رسم می‌کند کم کم جای خود را به دو اثر گرافیکی مشخص تر می‌دهد که یکی خط نوشتن و دیگری خط نگاری است، که این رویه به مرور زمان و بر اثر پیشرفت و پختگی فکری کودک هرکدام جای خود را پیدا

می‌کنند.

او در دو تا سه سالگی برای خطوط و دایره هایی که می کشم اسم می گذارد. در این دوران، دیگر خط نگاری کودک، فقط برای لذت بردن از حرکت یا فشار مداد بر روی کاغذ نیست، بلکه او مایل است احساسات درونی خود را که در ارتباط با تجربه های زندگی کوتاه مدت است به دست آورده بیان کند. و سرانجام در چهار سالگی خط نگاره های او جمع و جور می شوند و حتی برای بزرگسالان نیز معنی پیدا می کنند.

در این سن شمایی از آدمک و گاهی هم بعضی از حروف الفبا نمایان می‌شود. بدین گونه است که سرانجام کودک مرحله خط خطی کردن را به طور کامل پشت سر می‌گذارد و وارد مرحله تحصیلی می‌شود. این مرحله درست همان مرحله‌ای است که کودک به تقلید از بزرگترها چند سطری را به عنوان داستان نقاشی، زیر نقاشی های خود ترسیم می کند. این نوشته ها اغلب از چپ به راست و گاهی از راست به چپ نقاشی می‌شود.

کودکان سعی می‌کنند در نوشته های خود فاصله را نیز مراعات کنند و جالب است که بعد از نوشتن از بزرگترها می خواهند که نوشته های آنان را بخوانند. در چنین شرایطی، والدین می‌توانند با دقت در محتوی نقاشی سرخی به دست آورده اند و از این طریق داستانی بسازند و برای کودک تعریف کنند. کودکان معمولاً با دقت به این داستان‌ها گوش فرا می دهند و اگر هم گاه مطلبی خلاف میل آنها خوانده شود اعتراض نمی کنند زیرا خودشان می‌دانند که نوشته هایشان قابل خواندن نیست.

در فاصله ۳ تا ۴ سالگی کودک سعی می کند تصویر شخص یا اشخاصی را بکشد. این تصویر شامل عناصر مشخص و معینی از قبیل یک دایره به جای سر در اطراف آن چند خط به عنوان بازوها و پاها است.

علت ساده بودن نقاشی در این سن از عدم شناخت تکنیک ناشی نمی شود، بلکه این درست همان تصویری است که کودک از بدنش در ذهن دارد. این تصویر دارای یک سر است که برای کودک مهم جلوه می کند؛ زیرا سر موضع حس های بینایی و شنوایی است و از این رو برقراری ارتباط با دنیای خارج را میسر می‌سازند و دیگر این که دارای بازو هایی است که امکان گرفتن و لمس کردن اشیا را در بر دارد و دارای پا هایی است که امکان جابه جا شدن را فراهم می کند.

وقتی کودک آدمک را ترسیم می‌کند، قبل از هر چیز شکل خود یا درکی را که از بدن و تمایلاتش دارد بیان می‌کند. در واقع بین برخی از خطوط آدمک نقاشی شده و خصوصیات جسمی و روانی کودکی که آن را ترسیم کرده ارتباط مشخصی وجود دارد.

اگر آدمک در مجموع هماهنگ باشد، احتمال بسیاری وجود دارد که کودک کاملاً سازگار

باشد؛ اما هنگامی که آدمک در اندازه ای خیلی کوچک یا گوشه کاغذ ترسیم شود؛ نشانگر این است که خود را کم ارزش می‌پندارد و قادر به برقراری ارتباط مناسب با دیگران نیست. و یا اگر آدمک بزرگ ترسیم شود، می‌توانیم حدس بزنیم که با کودکی زودرنج و حساس روبرو هستیم که همیشه فکر می‌کند به او ظلم شده است. کودکان ضعیف و درون‌گرا اغلب برای آدمک پا نمی‌گذارند، یا او را به حالت نشسته نقاشی می‌کنند و بالاخره کودکان پرخاشگر، که آدمک خود را با خطوطی خشک و زاویه دار نشان می‌دهند.

خانواده

اعضای یک خانواده هماهنگ، در نقاشی‌های کودکان، همیشه با هم و دست در دست هم نشان داده می‌شوند. اگر این اشخاص دست‌های یکدیگر را بگیرند همدیگر را ببوسند و یا با هم بازی کنند درجه صمیمیت آنها بیشتر است.

کودک در نقاشی خانواده، تصویر خود را نزدیک شخصی نقاشی می‌کند که حس کند در کنارش راحت‌تر است و یا او را بیشتر از همه دوست دارد؛ ولی اگر کودکی فکر کند که مثلاً خواهرش بیش از او مورد توجه پدر و مادر است، در نقاشی خود خواهرش را بین پدر و مادر و خود را دورتر از آنها در حاشیه کاغذ قرار می‌دهد.

در بعضی از نقاشی‌ها تعدادی از افراد خانواده در داخل خانه و تعدادی دیگر در خارج از خانه نمایش داده می‌شوند. اینگونه نقاشی‌ها یا منعکس‌کننده غیبت واقعی شخص یا اشخاصی است که در خارج از خانه ترسیم شده‌اند و یا کمبود جذابیت عاطفی کودک را نسبت به آنها می‌نمایند.

در بیشتر نقاشی‌هایی که کودکان ترسیم می‌کنند، همیشه یک شخصیت اصلی وجود دارد که کودک بیشترین بار احساسی خود را چه به صورت عشق و ستایش و چه به صورت ترس و دلهره بر روی او مستقر می‌کند.

این شخصیت اصلی غالباً قبل از دیگران ترسیم می‌شود؛ زیرا او اولین شخصی است که کودک به او فکر می‌کند. این شخصیت اصلی، همیشه در اندازه‌ای بزرگتر از دیگر اشخاص و با جزئیات بیشتر و کاملتر ترسیم می‌شود.

هنگامی که در نقاشی خانواده، یکی از اعضای خانواده وجود ندارد می‌توان نتیجه گرفت که کودک آگاهانه یا ناخودآگاه آرزوی نبودن آن شخص را دارد. این پدیده بیشتر در نقاشی‌های کودکانی دیده می‌شود که با گذشت چند سال هنوز تولد خواهر یا برادر کوچکتر از خود را نپذیرفته‌اند. بنابراین با حذف این کودک مزاحم از

نقاشی خود، خود را در دوران طلایی که قبل از تولد نوزاد در آن زیسته اند به تصویر می کشند.

نقاشی گروه بچه ها در یک صفحه

اگر شما از کودک خود بخواهید که خود و دوستان خود را به تصویر بکشد. معمولا گروهی از بچه ها را در حال بازی یا انجام یک فعالیت گروهی به تصویر خواهد کشید، در حالی که اگر کودک شما منزوی یا ناسازگار باشد، اغلب در محدوده خارجی گروه و یا به صورت تنها کشیده خواهد شد.

تصویر خواب و رویا

کودکان و حتی نوجوانان معمولاً خواب و رویای خود را به صورت نقاشی ارائه می دهند و سپس آن را توضیح می دهند و در این مورد تبحر خاصی دارند. زیرا از تصویر کردن آن هیچ ترسی ندارند و خود را در هیچ موردی مقصر ندانسته و همه چیز را به عهده خواب و رویا می گذارند. البته نقاشی خواب و رویا ممکن است ترس ها یا حتی تمایلات کودک را به تصویر بکشد. برای این مسئله تصویر کودک قوی و بزرگ تر از دیگران نمونه ای است که معمولاً دیده می شود.

خانه و محل زندگی

در بیشتر نقاشی های کودکان خانه بیشتر از هر چیز دیگری به تصویر کشیده می شود. البته کودکان در آغاز، خانه هایی معمولی و پیش پا افتاده را به تصویر می کشند، اما با افزایش سن و به دست آوردن مهارت کافی، خانه های واقعی تر و پیچیده تری را شاهد خواهید بود. اگر خانه ای دلپاز و یا همراه با در و پنجره و محیط پر از گل و حیاط را در نقاشی کودکان مشاهده کردید، این امر می تواند دلیل روحیه سالم فرزند شما باشد و می توانید اینگونه تصور کنید که فرزند شما اعتماد به نفس کافی دارد. در حالی که اگر خانه ای بسیار ساده و بدون در را شاهد هستید که به صورت منفرد و با دیوارهای بلند تصویر شده است، این می تواند بیانگر وابستگی کودک شما به شما در سنین پایین تر از ۷ سالگی باشد و اگر کودک شما این زمان را پشت سر گذاشته باشد، کشیدن اینگونه خانه ها می تواند دلیلی برای عدم وجود اعتماد به نفس در کودک شما باشد.

خورشید و ماه و ستارگان

تصویر خورشید به طور معمول بیانگر امنیت و شادی و قدرت است و به عقیده برخی از

محققان و پژوهشگران به معنای حضور پدری مطلوب و موثر در جمع صمیمی خانواده ای متحد است. در حالی که اگر این رابطه چندان درست و اساسی نباشد و یا کودک از جمع خانواده احساس رضایت نکند و یا به پدر و به خصوص به نوع رفتار او علاقه ای نداشته باشد خورشید به صورت نیمه پنهان در پشت کوه کشیده و یا اینکه اصلا از کل نقاشی حذف خواهد شد و معمولا اگر از کودک خود بخواهید نقاشی بکشد و او از ماه و نقاشی تاریک استفاده نماید این نشانگر دلگیر بودن و عدم رضایت او است.



استفاده از درخت ها و سبزه زار ها

نکته جالبی که باید در مورد بررسی نقاشی که کودک شما از درخت کشیده توجه خاصی داشته باشید آن است که در آغاز باید درخت ترسیم شده را به سه قسمت ریشه، تنه و شاخ و برگ ها تقسیم کنید. ریشه نماد ناخودآگاه فرزند شما است و به غرایز او مربوط می‌شود. تنه درخت در حقیقت شبیه ترین چیز به خودت کودک است و اگر تنه ای بلند و استوار و قطور را مشاهده کردید، می‌توانید آن را با اعتماد به نفس و احساس رضایت کودک خود مرتبط بدانید.

این در حالی است که اگر درخت کشیده شده توسط کودک شما، دارای شاخ و برگ کافی باشد نشان دهنده این مطلب است که کودک دلبنده شما با محیط خارج و هموعان خود به اندازه کافی رابطه دارد و اگر شاخ و برگ و یا هر کدام از بخش های درخت را

به صورت غیر عادی دیدید، این امر نشان دهنده عدم تعادل در فرزند شما است.

اتومبیل و وسایل نقلیه عمومی

در جوامع امروزی اتومبیل نمادی از قدرت به شمار می رود و به همین دلیل به خصوص در نقاشی پسرها به وفور دیده می شود. پس اگر مشاهده کردید که کودک شما از کشیدن تصویر خود، خودداری کرده و به اتومبیل بهار می دهد می توانید این امر را نشان دهنده ارتباط خوبی با دنیای خارج بدانید.

حیوانات

اگر کودک شما در خانه یا هر مکان دیگر شاهد حیوانات باشد و سپس آنها را به تصویر بکشد این امر مسئله ای عادی تلقی می شود. اما اگر بی دلیل از حیوانات و به خصوص به صورت خشن استفاده نماید، این مسئله به روحیه ناسالم او و یا احساس گناهی که نمی تواند به صورت مستقیم آن را به تصویر بکشد مربوط می شود.

سیر رشد و تفسیر نقاشی های کودکان

ترسیم، یک مرحله حد واسط بین بازی و تصویر ذهنی است. به ندرت بین ۲ تا ۵ سالگی ظاهر می شود مثل بازی تخیلی که برای کسب لذت و سعی در تقلید واقعیات است. اولین فرم ترسیم، بازی تمرینی خالص و به صورت خط خطی، بدون هدف است. بعداً خط خطی از حافظه ایجاد می شود و بیشتر جنبه تقلیدی و تصویری دارد و ترسیم در هر مرحله به مکان یا فضا مربوط است و نماینده هوش می شود.

بر این مبنا آزمون گودیناف به وجود می آید. در واقع نشانه ای از محتویات عاطفی است و بستگی به تکامل و رشد ادراکی، شناختی، تجربه کودک و ظرفیت درکی دارد که سمبل ها را ایجاد می کند. در ترسیم ابتدا جاگذاری، بعد شکل، سپس طرح و در آخر جنبه های تصویری به وجود می آید. این مراحل در تمام کودکان دنیا دیده می شود. مرحله اول: خط خطی است که انعکاسی از خطوط خمیده، عمودی و افقی دارد. عموماً کودک به مرز کاغذ توجهی ندارد.

مرحله دوم: از ۱۶ تا ۲۰ ماهگی شروع می شود و کودک توجه به فرم و محل و کیفیت خط ها می کند و یا ارائه خط می کند و سعی دارد در مرکز این صفحه کار می کند. بیشتر حلقه ای می کشد که شبیه صورت انسان است و کودک رابطه بین فعالیت ها و رفتارهای خود را می فهمد.

مرحله سوم: نمونه های جدید مثل حلقوی و بیضوی می کشد و نقطه گذاری ممتد و

تکراری می کند.

مرحله چهارم: از دو سالگی به بعد شروع می شود که شامل کشیدن قوس، اشکال زاویه دار، خطوط مستقیم، نقطه گذاری یا ترکیباتی از آنها می باشد. در این مرحله کودک در اندازه ها تغییر می دهد، اعضای داخلی یک شی را می کشد. ترسیمی که کودک در این مرحله به شکل بسته می کشد نماینده انسان است.

مرحله پنجم: کودک خطوط کشیده شده را نام گذاری می کند، ممکن است حروف الفبا را بنویسد یا از دیگران بخواهند برایش بنویسند. استفاده از رنگها و جهت رنگ آمیزی در این مرحله رشد می کند. کودک در رنگ آمیزی بیش از یک رنگ استفاده می کند. در ابتدای خط خطی کردن، کودکان این کار را توسط بالا بردن بازو انجام می دهد و بعد با پیشرفت بیشتر با چرخش مچ خط می کشد و شکل سازی می کند.

پیاژه، تکامل نقاشی کودک در رابطه با مراحل تکامل رشد شناختی

سن: ۰ تا یک سالگی

نقاشی: کودک به تحریکات دیداری جواب می دهد. مداد را به دهان می برد. نوزاد هیچ نقشه نمی کشد.

شناخت: مرحله حسی - حرکتی کودک به طریق بازتابی عمل می کند کودک ماشینی فکر می کند.

سن ۱ تا ۲ سالگی

نقاشی: در ۱۳ ماهگی اولین خط خطی های کج و معوج می کشد. کودک بر علائمی که حرکت مداد بر روی صفحه کاغذ می گذارد نگاه می کند (نقاشی جنبشی) شناخت: به تدریج و همزمان با برقراری کنترل مغزی حرکات کودک جهت یافته و هدفدار می گردد.

سن: ۲ تا ۴ سالگی

نقاشی: دایره ها در نقاشی او به تدریج ظاهر و عنصر غالب در تصویر می شوند. سپس دایره ها از یکدیگر مجزا می شوند. در دایره ای که سهوا می کشد کودک شی را مجسم می کند. اولین نماد خطی ساخته می گردد که معمولا بین ۳ تا ۴ سالگی است.

شناخت: کودک شروع به عمل به صورت نمادی می کند. زبان و سایر ارتباط های نمادی رل مهمی را در این مرحله به عهده دارند. برخورد کودک با مسائل بسیار زیاد بر پایه خود محوری می باشد. تظاهر می کند که بازی را به صورت حقیقت می پذیرد.

سن: ۴ تا ۷ سالگی

نقاشی: حقیقت‌گرایی ذهنی کودک یک مدل خیالی می‌کشد نه آنچه که واقعاً می‌بیند. چیزی را می‌کشد که فکر می‌کند باید باشد نه آنچه واقعاً هست. افراد را از پشت دیوار می‌کشد و از داخل بدنه کشتی مردم را می‌بیند. هنوز حالت شفاف بینی دارد. اکسپرسیونیست و ذهنیت‌گرا است.

شناخت: مرحله پیش‌عملیاتی (فازی که بر درک مستقیم از محیط متکی است) خود محور است. دنیا را به حالت علت‌می‌بیند (خودش همه‌کاره است) تصوراتش واضح بوده و دارای خلاقیت، کنجکاوی و خیال‌پردازی است. در یک زمان بر یک موضوع تمرکز دارد در عمل خود بیشتر با احساس است نه با منطق.

سن: ۷ تا ۱۲ سالگی

نقاشی: حقیقت‌گرایی دیداری، ذهنیت‌گرایی کودک تقلیل پیدا می‌کند چیزی را می‌کشد که عملاً مرئی است. دیگر به طریق اشعه ایکس عمل نمی‌کند. شکل انسان‌ها بیشتر حالت حقیقی دارد و متناسب است. رنگ‌ها را طبق قانون انتخاب می‌کند. چپ و راست تصویر را کشیده است که تشخیص می‌دهد.

شناخت: مرحله عینی عملی نمودن، درباره اشیا عاقلانه می‌اندیشند. دیگر درک آنی بر او مسلط نیست و به او فرمان نمی‌دهد. می‌تواند به عقب برگردد. (درک بازگشت پذیری پیدا می‌کند) اشیا هر چه که بوده‌اند همان خواهند بود حتی اگر ظاهرشان تغییر کند.

سن: ۱۲ سالگی به بعد

نقاشی: با تکامل توانایی انتقاد کردن، علاقه اش به نقاشی کم و کمتر می‌گردد مثل اینکه مایل است این استعداد ذاتی را ذخیره کند.

شناخت: مرحله قراردادی عمل کردن به کارهایش با انتقاد می‌نگرد. قادر به درک فرضیات می‌باشند نه تنها می‌توانند در مورد جنبه عملی اشیا فکر کند بلکه می‌تواند با سلیقه و ذوق در باره آنها بیندیشد.



سر در طراحی کودکان

سر به صورت خارج از مقیاسی نسبت به بدن بزرگتر ترسیم شده، به طوری که بدن را تحت الشعاع قرار می‌دهد. در سنین ۷ تا ۸ سالگی بدن انسان و اجزای آن ابعاد واقع بینانه ای پیدا کرده و سر معمولاً یک هشتم کل از طول سر تا پای یک فرد بالغ ایستاده را شامل می‌شود.

چشم‌ها اولین و مهمترین اعضای هستند که کودک به دایره اولیه سر می‌افزاید. کشیدن و تاکید بر روی ترسیم چشم‌های بزرگ در نقاشی افراد شکاک و مبتلا به پارانویا به چشم می‌خورد ولی در کودکان کم سن و سال تأکید بر روی چشمان و کشیدن چشمان درشت مبنی بر درک اهمیتی است که کودک برای این عضو دارد.

آرایش چشمان هنگام طراحی معمولاً در نقاشی دختران در زمان بلوغ دیده می‌شود. چشم‌هایی که پسران می‌کشند ساده تر می‌باشد و پسران چشم‌ها را با حالتی درنده و وحشی می‌کشند. هیچ کس انتظار ندارد که بازوها را در نقاشی کودکان زیر چهارسال ببینند ولی به این فقدان در سنین بالای ۶ سال باید توجه بیشتری کرد و اگر همین مورد در سنین بالای ۱۰ سال بود احتیاج به توجه خاص دارند.

گوش: راجع به طرز طراحی گوش‌ها باید گفت که بیشتر آنها را نمی‌توان از کودکان

عادی تمیز داد. گوش های مشخص و برجسته به عنوان تجلی آشفتگی روانی تبدیل گردیده است و فقدان گوش مربوط به عدم بلوغ فکری و درک از تصویر انسان مرتبط می باشد و در پایان می توان گفت هنگامی که کودک با آزادی و به دلخواه خود نقاشی می کند در واقع حالت روحی و روانی و احساسات زمان حاضر و نیز احساسات و تحریکات ریشه دار و ژرف تر خود را بیان می کند و بدین ترتیب خطوط مخصوص شخصیتش را نیز هویدا می کند.

دیدگاه ها: نقاشی های کودکان

نقاشی فعالیتی است شخصی که آن را می توان از دیدگاه های متفاوت بررسی کرد. شیلر معتقد است که انسان ها ذاتا فعال اند و بازی یکی از شیوه های تخلیه انرژی اضافی است. لذا نقاشی می تواند به منزله نوعی بازی برای کودکان مطرح باشد. از دیدگاه نظریه روانکاوی نقاشی به منزله فعالیت بالینی - فرافکنی است یعنی از طریق نقاشی فرد می تواند آنچه را که در ضمیر ناخودآگاه دارد و احتمالا باعث ناراحتی و اضطرابش می شود بیان کند.

به نظر کلوگ کودکان ضمن نقاشی، هم به لذت حرکتی و هم به لذت بصری دست می یابند و این امر باعث فعالیت کودکان می شود.

بعضی از نقاشی ها صرفا طرح هایی تزئینی یا خطوطی هستند که تعریف و توصیف به آنها نسبتا آسان است. اما بیشتر نقاشی هایی که کودکان می کشند تصویر است. یعنی بازنمایی چیزی هستند. از جمله عواملی که در تفسیر نقاشی کودکان به کار گرفته می شود می توان از طرز قرار گرفتن نقاشی بر صفحه کاغذ، سایه، ضخامت، خط، قوای اجزای کشیده شده، مقدار و توزیع جزئیات، پاک شدگی ها، تصویر لباس و زمینه نام برد.

خط: خط بدون وابستگی به محتوا نیز دارای بار شدید بیانی و قدرت وجود خاصی است که پویایی و بنیان شکل از آن نقاشی می شود و خط می تواند به اشکال مختلف ظاهر شوند.

ضخیم، نازک، خط نقطه، خط پیوسته، عمودی، افقی، زاویه دار، مارپیچ و غیره همچنین ممکن است براق یا مات و یا شفاف باشد. بنابراین خط به تنهایی توانایی آن را دارد که حالت های روانی مختلف مانند غم و شادی، بوالهوسی، عصبانیت و اطمینان را به خود نشان می دهد.

راحتی و خوشحالی، حرکات را وسیع و پرداخته می کند. نتیجه اش خطوطی بازتر و

بلندتر است. نیروی زندگی با علائم و خطوط بلند که به طرفی می‌روند بیان می‌شود. ضعف عصب با فشردگی و کوتاهی خطوط، پرخاشگری با قطعه قطعه کردن، متغیر نمودن و به هم پیچیدن خطوط راست و زاویه دار، نشان دهنده احساسات با خطوط نازک و حرکات ملایم در آنها نشان داده می‌شود.

کودکان پیشرفته‌تر خطوطی به اشکال مختلف و با حفظ تعادل میان قسمت های مختلف و کودکان خجالتی خطوط کوتاه مثل چیزی که منع شده باشد ترسیم می‌کنند.

خطوط راست و زاویه دار نشان دهنده کشاننده های پرخاشگرند که بیشتر جنبه های مردانه دارند و خطوط مقطوع و تکه تکه تمایل به انزوا را نشان می‌دهند.

فضا: به طور کلی کودکانی که رسم نقاشی آنها به تناسب بر روی کاغذ ترسیم شده کودکانی آرام هستند. به نظر یوشم کودکانی که فضا را بهتر از دیگران حس می‌کنند دارای قابلیت درک بهتری هستند. گرایشی که کودک برای خارج شدن از کادر کاغذ دارد نه تنها بیانگر خصوصیات کودکان خردسال یا عقبمانده ای است که کنترل عضلانی ندارد بلکه در میان کودکان بزرگسال هم که از کمبود محبت رنج می‌برند دیده می‌شود.

این کودکان به طور اغراق آمیزی در جستجوی توجه و کمک هستند تا کمبود اعتماد به خود را که مخصوص انسان های نامطمئن است جبران کند.

کودکان خجالتی و کمرو نیز در گوشه کاغذ و یا در قسمتی محدود از فضای کاغذ و یا بر روی کاغذ کوچکی نقاشی می‌کنند. زیرا در مقابل سطح کاغذ های بزرگ خود را گم می‌کنند و این نیز نشانگر عدم اعتماد و اطمینان به خود است. کودکانی که در نقاشی ها این حالت را نشان می‌دهند احتیاج به تشویق و پشت گرمی زیادی دارند.

بعضی دیگر از پژوهشگران متوجه شده‌اند که کودکان خردسال از بالای کاغذ شروع به نقاشی می‌کنند علت این امر مربوط به شکل بدن آدمک و حرکات دست است و نیز اینکه قسمت بالا نشان دهنده سر و آسمان و نمادی از ارزشهای والا است.

کودکانی که زیاد به طرف چپ کاغذ متمایل شود البته کودک دست چپ نباشد نشانگر غم و اندوه و گوشه گیر بودن و بی اعتمادی نسبت به خود است. این افراد سریعاً تصمیم می‌گیرند و در جستجوی اقیاف عواطف و ارمنای احساسات سرکوب شده خود می‌باشند.

آنهايي که تصاویر را در گوشه راست صفحه می‌کشند اکثر افرادی حساس هستند که به دنبال ارضاء و ارتقاء مسائل عقلی و ذهنی خود در تکاپو می‌باشند. ناحیه راست ناحیه آینده است.

در عقیده مکهاور جا دادن تصویر در سمت چپ از خود محوری نقاش حکایت می کند و عکس آن در افرادی که تحت تاثیر محیط بوده و شرایط و موقعیت محیط بر آنها حاکم است صدق می کند. اگر تصویر کوچک و نزدیک لبه پایین صفحه باشد علامت احساس عدم امنیت و عدم استقلال نقاش است. گاهی دلیل بر افسرده بودن او است تمایل به ناحیه پایین صفحه غرایز بنیادی صیانت ذات و ناحیه منتخب خسته های روانی می باشد. سرانجام کودکانی که نقاشی های شان کاملاً در مرکز کاغذ قرار می گیرد و به طور کلی بر خود و احساساتشان توجه و تمرکز فکری زیادی دارند. ترسیم از چپ به راست نشان دهنده یک حرکت طبیعی پیشرونده است در حالی که ترسیم از راست به چپ به منزله یک حرکت واپس رونده تلقی می شود.

جهت یابی در فضا به منظور چگونگی برداشت و نحوه استفاده از فضا در نقاشی کودکان نیز اهمیت دارد. کودکان خردسال که به طور صحیح نحوه جهت یابی در فضا را نمی دانند ممکن است تصویر انسان را سرو ته یا وارونه بکشند یا مثلاً نقاشی را از پا شروع کنند و به سر برسند. یا تصویر را به صورتی بکشند که به نظر برسد بدون وزن بوده و در فضا معلق است.

معکوس کشیدن

معکوس کشیدن تصویر در کودکان کم سن و سال هم بسیار غیرمعمول است اما می توان آن را به ابتکار کودکان در نقاشی ارتباط داد. اما در افراد بزرگ تر نباید این عمل را به سادگی پذیرفت که شاگال این عمل را ناشی از مشکلات عدم هماهنگی با محیط می داند.

اندازه تصویر

کشیدن تصاویری با حداقل اندازه و کشیدن تصاویر مشابه، تصویر انسان در نقاشی کودکان که عدم امنیت عاطفی و افسردگی احساس می کنند و در بالغینی که وا پس روی روانی داشته باشند دیده می شود. کودکانی که احساس عدم امنیت می کنند تصویر انسان را کوچک می کشند درست برعکس، نقاشی های بزرگ و با شجاعت که مشخص کننده نقاشی اطفالی است که از امنیت خاطر و اعتماد به نفس برخوردارند.

نکته دیگری که در تفسیر نقاشی های کودکان باید مورد توجه قرار دهیم اثر الا کلنگی می باشد یعنی کودک آن چیزی را که برایش از اهمیت بیشتری مخصوصاً از لحاظ عاطفی و احساسی برخوردار است در نقاشی اش بزرگتر از دیگر چیزها می کشد مثلاً فردی که در خانواده نقش غالب را بازی می کند و فرمانروا است بدون توجه به

اندازه واقعی اش از همه بزرگتر کشیده می شود.



کودکان مانند اسفنج همه چیز را از قبیل کلمات، حالات روحی، غم ها و شادی ها را به خود جذب می کنند این قابلیت جذب از بدو تولد وجود دارد و فضایی که والدین در آن زندگی می کنند به زودی از آن کودک می شود. کودک به کمک نقاشی کشمکش ها و دلهره های درونی اش را آشکار می کند و بدین طریق اثر آنها را کاهش می دهد.

در حقیقت وقتی مسائل و مشکلات عاطفی بر روی کاغذ منتقل می شوند به صورت تازه و جداگانه که کمتر سنگین و دلهره آور است در می آیند به همین دلیل است که کودکان به هنگام نقاشی کردن از نمادها استفاده می کنند و ناخودآگاه مرتکب چنین اشتباهی می شوند که جنبه همگانی دارند و تعبیر آنها ساده است ولی درست به این دلیل که کودک از این اشتباه آگاه نیست آزادانه آنها را به کار می برد.

برون فکنی در نقاشی (توضیح خط و رنگ)

خط

حرکات و خط های وسیع و پردامنه، خطوط باز و بلند نشانه خوشحالی و راحتی است و نیروی زندگی با علائم و خطوط بلند به طرف بالا می رود.

فشاردگی و کوتاهی خط، قطعه قطعه کردن و متغیر نمودن و به هم پیچیدن خطوط نشانه ضعف عصبی است. کودکان پیشرفته خطوطی با اشکال مختلف و با حفظ تعادل میان قسمت

های مختلف آن را رسم می کنند و کودکان خجالتی از خطوط کوتاه مانند چیزی که منع شده باشند استفاده می کنند.

خطوطی که با نیروی زیاد و پررنگ شروع می شوند و به صورت کاملاً بی رنگ به پایان می رسند نشانگر کمبود جوش و خروش و عدم قابلیت خالقان برای به پایان رساندن فعالیت در دست انجام است و به طور کلی نشانگر آن نیروی درونی است که نتوانسته است محل مناسبی برای اظهار وجود پیدا کند.

خطوطی که دور چیزی کشیده می شود اگر خیلی صاف باشد بیانگر دشمنی، فشار و اغلب دلوپسی است و اگر خطوط آرام و روان و دارای ارزش زیبایی شناسی باشد نشانگر شخصیت پخته خالق آن است.

اگر قسمت هایی از نقاشی به علت چندین بار خط خوردن مخفی مانده باشد بیانگر مشکلات عاطفی و ترس کودک از اشیا شخصی است که با خط خطی کردن سعی در مخفی کردن آن دارد ولی اگر با خطوط بی رنگ و سطحی مخفی شده باشد نشانه امنیت و سازگاری کودک است.

کودکانی که کمبود محبت دارند گرایش خاصی برای خارج شدن از کادر کاغذ دارند، کودکان خجالتی در گوشه کاغذ و یا در قسمت کوچکی از کاغذ یا بر روی کاغذ کوچک نقاشی می کشند زیرا در مقابل سطح کاغذ های بزرگ خود را گم می کنند که نشانگر عدم اعتماد و اطمینان به خود است.

کودکی که زیاد به طرف چپ کاغذ متمایل می شود (البته اگر چپ دست نباشد) نشانگر غم و اندوه و گوشه گیر بودن و عدم اعتماد نسبت به خود است.

کودکانی که نقاشی شان کاملاً در مرکز کاغذ قرار می گیرد به طور کلی زیاد بر خود و احساساتشان توجه و تمرکز فکری دارند.

رنگ

کودکانی که تحت نظارت شدید خانواده قرار دارند از رنگ های سرد استفاده می کنند که علت اصلی به مشکلات عاطفی و روانی کودک مربوط است.

فقدان رنگ در تمام یا قسمتی از نقاشی نشانگر خلاء عاطفی یا گاهی دلیل بر گرایش های ضد اجتماعی است.

کودکان سازگار به طور متوسط از پنج رنگ استفاده می کنند کودکان گوشه گیر از یک یا دو رنگ.

چند نکته

کودکان در سن ۱۱ و ۱۲ سالگی متوجه تغییر رنگ اشیا می شوند. کودکان در سنین ۹ تا ۱۳ سالگی بیشتر مجذوب نشان دادن دنیای خارج و به طور صحیح هستند تا اظهار وجود و یا بیان احساسات خود کودکان یتیم خانه ها فاقد تخیل کافی برای نقاشی هستند. عدم ارتباط اشیا در نقاشی نشانگر فقر محیط اجتماعی یا کمبود تجربه فردی می باشد.

زمانی که برای نقاشی به کودک پاداش می‌دهیم کودک نسبت به لذت بردن از نقاشی بی میل می شود و بیشتر به پاداش توجه می کند.

کودک وقتی نقاشی می کند چیزها را چنان که در حقیقت بیرونی وجود دارد نشان نمی دهد بلکه به گونه‌ای که آنها را در ذهن می بیند و به نظر می‌رسد بیان می کند و بدین ترتیب چشم انداز دنیای درونی خود را نمایان می‌سازد. گاه این دخالت درونی و ذهنی چنان قوی است که کودکی که صورت مدلی را نقاشی می کند ناخودآگاه خطوط صورت خود را در آن به کار می‌برد و همین خصوصیات است که نقاشی های کودکان را اینچنین زنده و جالب می کند. این همان چیزی است که در تست‌های برون فکن روانشناسی از آن استفاده می شود.

اگر زبان نقاشی های کودکانه را بدانیم متوجه می شویم که در ورای شکل و ساختمان نقاشی ها چیزهایی از شخصیت کودک نهفته است. با وجود این بعضی از موضوع ها برای تجزیه و تحلیل ساده تر از دیگران است زیرا آنها مدت های درازی مورد بررسی، مطالعه، تجزیه و تحلیل و دسته بندی روانشناسان قرار گرفته بوده اند. باید اضافه کرد موضوع هایی که معمولا بیشتر مورد توجه قرار گرفته اند همان هایی هستند که در اثر انعکاس های عظیم عاطفی، برای کودک جذابیت فراوانی دارند و بنابراین بهتر از هر چیز خطوط، شخصیت او را نمایان می‌سازند و بسیار زیاد مورد توجه کودک قرار می گیرد.

کودک این موضوع ها را چه اختیاری چه بر اثر تشویق بزرگسالان با کمال میل مورد استفاده قرار می دهد. درک و فهم نقاشی‌های کودکان و چیزی که او می خواهد بیان کند برای والدین و مربیان بسیار لازم است. آن هم نه فقط به عنوان کنجکاوی خشک و خالی، بلکه بدین علت که شناخت آن باعث بهتر شدن روابط بین بزرگسالان و کودکان می‌شود و به پیشرفت و تکامل کودک کمک شایانی می‌کند.

بزرگسالان می‌توانند با برقرار کردن روابط دوستانه و معنوی با کودک از او بخواهند برایشان درخت، حیوان، خانه، یک شخص، خانواده، خودش و یا هر چه را که

مورد علاقه اش است و یا از آن می‌ترسد یا یک رویا را ترسیم کند. البته بی آنکه چیزی را به او تحمیل کنند.

قبل از آغاز تجزیه و تحلیل بعضی از موضوع ها که بیشتر مورد استفاده کودکان قرار می‌گیرد یادآور می‌شویم که برای آنکه تعبیر نقاشی‌های یک کودک دارای کیفیت بهتری باشد باید از تعداد هرچه بیشتری از نقاشی‌ها و اطلاعات دقیقی از زندگی خود آن کودک کمک گرفت.

نشان دادن حرکات در نقاشی معرف هوش کودک است ولی نقاشی‌هایی که در آن پیکر انسان نمایانده می‌شود دارای معنی عاطفی نیز هست و امنیت و سازگاری اجتماعی کودکان را نشان می‌دهد. پیکرهای صاف و خشک معمولاً توسط کوچکترها با بچه‌های خجالتی و پرخاشگر که برای ارتباط با دیگران با مشکل روبه‌رو می‌شوند کشیده می‌شود.

بچه‌های محزون، وضعیت آدمک‌ها را کاملاً دقیق می‌کشند و تناسب اندام‌های مختلف را کاملاً رعایت می‌کنند. کودکانی که دارای تخیلات پرحاصلی هستند و توجه زیادی به بدن خود دارند اندام‌های مختلف آدمک‌ها را به حالتی زنده و شاد ترسیم می‌کنند.